



وقف به مثابه منبع تأمین مالی خرد اسلامی:



درس‌هایی برای بازطراحی نظام قرض الحسنه در کشور

حسین میسمی*

محسن عبدالهی**

مهدی قائمی اصل***



چکیده

این تحقیق^۱ الگوی استفاده از نهاد اسلامی وقف در مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در واقع ضمن بررسی انواع گوناگون منابع وقفی که می‌توانند به‌عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد مطرح باشند (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف)، مزیت‌های اقتصادی که در صورت استفاده از نهاد وقف، در تأمین مالی خرد اسلامی در حوزه تجهیز منابع و همچنین استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در حوزه تخصیص منابع، ایجاد می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی - اقتصادی را دارد که

پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
 ** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
 *** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

* پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (نویسنده مسئول).

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، مؤسسه‌ای است که بخش عمده‌ای از منابع خود را با استفاده از اموال وقفی تأمین می‌کند

به‌عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود. همچنین الگوی ارائه‌شده در این تحقیق می‌تواند برای بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه در کشور درس‌های مناسبی به همراه داشته باشد.

۱. مقدمه

مروری بر آیات، روایات و منابع دینی در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که از بین بردن فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، از اهداف مهم نظام اسلامی و بالتبع اقتصاد اسلامی به شمار می‌آید. از این رو، لازم است در جامعه اسلامی تمامی روابط اقتصادی و مالی به‌نحوی تنظیم شوند که نظام اقتصادی بتواند در راستای تأمین اهداف مورد نظر اسلام حرکت کند. از طرف دیگر، نظام تأمین مالی اسلامی، به‌عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع‌تر به نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تأمین اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی‌تفاوت و یا کم‌توجه باشد. از این رو می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت رفع فقر و تقویت عدل و احسان در جامعه از جمله اهداف اصلی نظام مالی اسلام است (صدیقی، ۲۰۰۴؛ خان، ۱۹۹۷). بنابراین لازم است بانکداری و تأمین مالی اسلامی به اهداف اجتماعی مانند رفع فقر و توانمندسازی گروه‌های پایین درآمدی توجه ویژه‌ای داشته باشند (چپرا، ۱۹۸۵).

در چند دهه اخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارائه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تأمین مالی خرد»^۵ به وجود آمده است. هدف اصلی این نوع از تأمین مالی، ارائه خدمات به افرادی است که به‌دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. به‌طور دقیق‌تر، می‌توان تأمین مالی خرد را به‌عنوان ساز و کار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌های با درآمد پایین تعریف نمود. این افراد معمولاً به‌دلیل اینکه دارای رتبه اعتباری^۶ پایین‌تری هستند، مورد توجه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی متعارف قرار نمی‌گیرند (کالیم و احمد، ۲۰۰۹، ص ۳).

از طرف دیگر این یک واقعیت است که تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در چند دهه اخیر رو به رشد بوده است. در واقع از زمانی که

پروفیسور محمد یونس و بانک گرامین جایزه صلح نوبل را به‌دلیل فعالیت در زمینه تأمین مالی خرد دریافت کردند، تجربه تأمین مالی خرد در بنگلادش و سایر کشورهای در حال توسعه، رشد چشمگیری یافته است. به‌عنوان نمونه بانک گرامین با رشد ۱۱۳/۵ درصدی در اعطای وام روبه‌رو شده است و حجم وام‌های خرد ارائه شده توسط این مؤسسه از ۲۲۹/۱۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به ۴۴۸/۴۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است (احمد، ۲۰۰۷).

مسئله مهم‌ترین چالش تأمین مالی خرد متعارف، که استفاده کامل از این تجربه در چارچوب اسلامی را با چالش مواجه می‌سازد، مسأله بهره است. در واقع مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع خود را بر اساس پرداخت و دریافت بهره انجام می‌دهند (حسن و المگیر، ۲۰۰۲؛ صادق، ۲۰۰۷). بنابراین ضروری است که الگوی تأمین مالی خرد اسلامی متناسب با نیازهای کشورهای اسلامی طراحی گردد. در واقع این امکان وجود دارد که با انجام برخی اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز، از این تجربه در جهت کاهش فقر در کشورهای اسلامی استفاده شود.

مسئله دیگری از مهم‌ترین اصلاحات مورد نیاز جهت استفاده از تجربه تأمین مالی خرد متعارف که بر مبنای نرخ بهره انجام می‌شود، به‌کاربردن ابزارهای اسلامی (عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) و نهادهای موجود در جامعه اسلامی (صدقات، اوقاف، زکات، خمس، انفال و غیره) در تجهیز منابع برای مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی و به‌طور مشابه استفاده از ابزارهای مالی اسلامی در تخصیص منابع جمع‌آوری شده است. گرچه می‌توان امکان (فقهی - اقتصادی) و نحوه استفاده از نهادهای مختلف اقتصاد اسلامی در تأمین مالی خرد را مورد توجه قرار داد، اما این تحقیق با توجه به محدودیت‌های موجود، تنها به بررسی یکی از این نهادها، یعنی وقف، پرداخته و مسائل مرتبط با آن را به‌طور مختصر مورد بحث قرار می‌دهد. در واقع ابتدا الگوی استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی را ارائه کرده و پس از آن به ارزیابی مزیت‌های مورد انتظار از این الگو می‌پردازد.

۲. مفهوم وقف، سابقه تاریخی و شروط فقهی^{۱۰}

وقف در لغت به معنی متوقف کردن و در اصطلاح فقهی به مفهوم حبس کردن اصل مال و آزادگذاشتن منفعت آن می‌باشد^{۱۱} (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۲). در قانون مدنی نیز وقف به این صورت تعریف شده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن



انجام می‌گرفت و بسیاری از تأسیسات زیربنایی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای احساس کنند، توسط مردم ساخته می‌شدند. در واقع وقف از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای مهم و فراوانی در زندگی روزانه مردم بوده است. یکی از این موارد مسأله آموزش رایگان بود، که اثرات فراوانی در جامعه داشت (ساعاتی، ۱۳۷۴، ص ۳).

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که در گذشته، اوقاف نقش قابل ملاحظه‌ای در تولید کالاها و خدمات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته‌اند و بسیاری از کالاهای عمومی و وظایفی که در دولت‌ها مدرن توسط دولت انجام گرفته و هم‌اکنون یکی از چالش‌های دولت‌ها شده و با طرح مسائلی از قبیل تعدیل اقتصادی،^{۱۳} خصوصی‌سازی،^{۱۴} اندازه بهینه دولت،^{۱۵} برون‌سپاری^{۱۶} و از این قبیل، سعی در انجام آنها به روش‌های غیردولتی دارند، در گذشته از طریق نهاد وقف در جوامع اسلامی انجام می‌شده است (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۷).

یکی از مشکلاتی که مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند، مسأله تأمین نقدینگی می‌باشد

تسبیل شود» (قانون مدنی، ۱۳۸۵، ماده ۵۵). مقصود از حبس عین مال آن است که تصرف در آن ممنوع بوده و موقوفه به ارث نیز نمی‌رسد. اما منظور از آزادگذاشتن منافع، آن است که منافع و ثمرات عین، صرف مواردی می‌شود که واقف تعیین کرده است.

به لحاظ تاریخی گرچه دقیقاً معلوم نیست که قانون وقف در اسلام در چه سالی تشریح گردید، ولی اگر مساجد جزء موقوفات تلقی شود، اولین اقدام عملی پیامبر پس از مهاجرت به مدینه، تأسیس مسجد قبا و مسجدالنبی و پایگاهی برای عبادت، آموزش و زندگی بر اساس نهاد وقف بوده است.^{۱۲} همچنین حضرت علی علیه‌السلام اموال زیادی داشت که آنها را در زمان حیات خود وقف نمود. به طوری که در اواخر عمر، عواید سالانه اوقاف آن حضرت به ۲۴ هزار دینار می‌رسید. علاوه بر اینها نهاد وقف در تاریخ اسلام سابقه درخشانی دارد (اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۸۱).

در کشور ما نیز وقف دارای سابقه‌ای درخشان و طولانی‌مدت است. گرچه این نهاد در دوره‌های مختلف در اقتصاد کشور ما نقش فعال داشته است، اما دوران صفوی را می‌توان اوج توسعه و رشد اوقاف در ایران در نظر گرفت (بختیاری، ۱۳۸۱، ص ۱۲). در گذشته و در تاریخ ایران، بسیاری از فعالیت‌های تولیدی توسط نهاد وقف

مؤسسات تأمین مالی خرد بهره‌محور متمایز می‌شود. در ذیل به بررسی مختصر ویژگی‌های مؤسسه تأمین مالی مذکور در دو حوزه تجهیز و تخصیص منابع می‌پردازیم.

۳-۱. تجهیز منابع

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف، منابع مالی خویش را یا از طریق سپرده‌پذیری بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره انجام می‌دهند و یا از منابع بیرونی (کمک‌های دولتی و یا بین‌المللی) استفاده می‌کنند (حبیب، ۱۷، ۲۰۰۲). اما در مقابل، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی از عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در جذب سپرده‌ها بهره می‌برند. علاوه بر این، می‌توانند از نهادهای اقتصادی اسلام نیز به‌منظور تأمین منابع خویش بهره ببرند. نهادهایی چون وقف، قرض‌الحسنه، خمس، زکات، انفال، فیه و غیره.^{۱۸} در الگوی پیشنهادی این تحقیق، مهم‌ترین منبعی که برای تأمین مالی مؤسسه در نظر گرفته شده است، نهاد وقف است که در چهار صورت (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف) تجلی می‌یابد. در ادامه، به‌صورت مختصر، به بررسی فقهی هر یک از این موارد می‌پردازیم. در هر مورد لازم است چهار شرط فقهی مورد توجه باشد؛ شرایطی که عمومی بوده و لازم است که در هر مال وقفی وجود داشته باشند. این شرایط عبارت‌اند از: عین بودن، مالکیت واقف نسبت به مال، قابلیت بقای عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۸۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۳).

الف. وقف اموال

یکی از منابع تجهیز مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، دریافت و استفاده از اموال منقول و غیرمنقولی است که دارای چهار ویژگی فوق‌الذکر



در این الگو منابع خرد و کلان واقفان، چه به صورت کالا و اموال منقول و غیرمنقول و چه به صورت وجوه نقد و سهام، جمع‌آوری شده و به‌عنوان منبعی برای مؤسسه تأمین مالی خرد به حساب می‌آید

در حال حاضر نیز در کشور ما موقوفات حجم عظیمی از منابع را به خود اختصاص می‌دهند. موقوفات عظیم آستان قدس رضوی در شهرها و مناطق مختلف، تنها نمونه‌ای از حجم بالای وقف در کشور است. بر اساس اظهارنظر معاون سازمان اوقاف و امور خیریه، در حال حاضر، ارزش تقریبی دارایی‌های وقف‌شده در ایران حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان و درآمد این موقوفات طبق آمار سال ۱۳۸۷ حدود ۸۴ میلیارد تومان است که نشان‌دهنده سوددهی یا درآمدزایی کم آنها، معادل هشت ده‌هزارم است (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶، شماره ۶۰۷ ص ۶). علی‌رغم این ظرفیت بالا و همان‌طور که واقعیت اقتصاد ایران نشان می‌دهد، در حال حاضر وقف در کشور، دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و مؤثری که در تاریخ اسلام و ایران (به‌خصوص در برخی دوره‌ها) در حل مشکلات اقتصادی به عهده داشت را ندارد. مسلماً یکی از دلایل این واقعیت، اداره غیرعلمی و سنتی دارایی‌های وقف‌شده و استفاده‌نکردن از ظرفیت‌های بالقوه این نهاد تاریخی در جهت تأمین اهداف اسلامی است. از این رو به نظر می‌رسد لازم باشد از ویژگی انعطاف‌پذیری که در نهاد وقف وجود دارد استفاده مطلوب نمود. به عبارت دیگر لازم است علاوه بر روش اجاره‌دهی سنتی و استفاده از درآمدهای حاصل از اجاره اموال وقفی در جهت تأمین اهداف واقفان، از روش‌های جدیدتری به‌منظور جمع‌آوری منابع وقف و همچنین تخصیص آنها بهره برد. به نظر می‌رسد با ارائه تعریف وسیع‌تر از اموال قابل وقف و همچنین اداره علمی و کارآمد اموال موقوفه، می‌توان امکان تشویق خیرین و افراد نیکوکار به مشارکت در این سنت پسندیده را فراهم آورد.

۳. الگوی تشکیل مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی

منظور از مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، مؤسسه‌ای است که بخش عمده‌ای از منابع خود را با استفاده از اموال وقفی تأمین می‌کند؛ به عبارت دیگر در بخش تجهیز منابع به‌طور عمده از نهاد وقف بهره می‌برد. در واقع مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی در بخش تجهیز منابع (بدهی‌ها) از ابزارها و نهادهای اسلامی و در بخش تخصیص منابع (دارایی‌ها) از ابزارهای اسلامی استفاده کرده و لذا در ابعاد مختلف از

باقی ماندن عین، فراهم است (شرط سوم). اما در رابطه با قابلیت قبض و اقباض نیز می‌توان گفت هم به لحاظ عرف و هم به لحاظ قانون (مواد ۳۹ و ۴۰ قانون تجارت)، امکان قبض و اقباض بر گه سهام وجود دارد. تنها موردی که در رابطه با سهام می‌تواند محل اختلاف باشد، مورد اول یعنی عین بودن است. عین به لحاظ فقهی در مقابل سه موضوع قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از دین، مال مبهم و منفعت (صاحب جواهر، ۱۹۸۱، ج ۲۸، ص ۱۴). در این رابطه نیز برخی تحقیقات به درستی نشان داده‌اند که با توجه به اینکه منظور از سهام، برگه یا ورق سهام نبوده و حصه یا بخشی از مال شرکت است که بر اساس برگه در اختیار فرد قرار می‌گیرد، لذا شرط عین بودن نیز در مورد سهام برقرار می‌باشد (مصباحی مقدم و شکری، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

بنابر آنچه مطرح شد به نظر می‌رسد وقف سهام نیز بتواند به عنوان منبع دیگری برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیران سهام شرکت‌ها و مؤسساتی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و مؤسسه را متولی مصرف منافع قرار می‌دهند. در اینجا هم باید واقفان تنها به منظور کمک به فقرا سهام خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منافع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم است.

ج. وقف پول

اما در رابطه با وقف پول، به نظر می‌رسد از چهار شرط مذکور موارد مالکیت واقف و وجود امکان اقباض در مورد پول نیز به لحاظ عرفی کاملاً قابل تصور باشد. در رابطه با دو شرط عین بودن و قابلیت بقا همراه با انتفاع، برخی از محققین به درستی مسأله بقای مالیت را در مورد پول مطرح کرده‌اند. در واقع در این دیدگاه، دو نوع حبس در وقف قابل تصور است. یکی حبس عین مال، که مخصوص عروض (کالاها) می‌باشد و دیگری حبس مالیت مال، که مخصوص نقود می‌باشد. بنابراین در وقف عروض، بقای رقبه مال (عین مال) با وجود انتفاع، شرط است؛ ولی در وقف نقود، بقای مالیت مال با وجود انتفاع، شرط می‌باشد (دادگر و سعادت‌فر، ۱۳۸۶، ص ۱۶؛ مصباحی مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۳). بنابراین وقف پول نیز می‌تواند به عنوان منبع دیگری برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی مطرح باشد. در واقع خیران وجوهی که در اختیار دارند را در راه خدا وقف کرده و مؤسسه را متولی استفاده از مصرف منافع قرار می‌دهند. مؤسسه از این وجوه به منظور

بوده و توسط افراد خیر به منظور کمک به فقرا وقف می‌شود. در واقع مؤسسه، به عنوان متولی،^{۱۹} اموال مذکور را بر اساس صیغه وقف از واقفان دریافت کرده و متعهد می‌شود تا این اموال را تنها در جهت حل مشکلات فقرا به مصرف برساند. با توجه به ماهیت تأمین مالی خرد و اهدافی که در جهت کمک به گروه‌های پایین درآمدی و حل مشکل فقر در جامعه دارد، مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی تنها می‌تواند با آن دسته از واقفان همکاری کند که به منظور حل مشکل فقرا، اموال خود را وقف می‌کنند. از این رو واقفانی که اهداف دیگری مانند کمک به مساجد، تعمیر پل‌ها و معابر، احداث و تجهیز قبرستان‌ها و غیره را دارند، نمی‌توانند با مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی همکاری کنند. البته همان‌طور که در بخش قبل دیدیم، به لحاظ تاریخی اکثر موقوفات با هدف رفع فقر انجام می‌شود.

همچنین مؤسسه مذکور این امکان را برای واقفان فراهم می‌آورد که یا اموال خود را به صورت عام وقف فقرا کنند و یا وقف گروه‌های خاصی از فقرا نمایند (به عنوان نمونه دانشجویان فقیر) که در صورت دوم، مؤسسه به عنوان متولی وقف، متعهد است که منافع حاصل از این اموال را فقط به مصرف همان گروه‌های تعیین شده برساند. علاوه بر این، مؤسسه این امکان را برای واقف فراهم می‌آورد که بین ارائه وام‌های مصرفی و یا تولیدی به فقرا انتخاب نماید؛ زیرا همان‌طور که در بخش بعد خواهیم دید، در مؤسسه مذکور هر دو نوع وام پرداخت می‌شود.

ب. وقف سهام

در خصوص سهام شرکت‌ها و امکان پذیر بودن وقف آن، می‌توان ادعا کرد که از چهار شرط عین بودن، مالکیت واقف نسبت به مال، قابلیت بقای عین مال همراه با انتفاع، وجود امکان اقباض، موارد دوم و سوم، در مورد سهام بدون هیچ تردیدی وجود دارد. در واقع سهام، در تملک دارنده آن قرار دارد (شرط دوم) و امکان بهره‌مندی از منافع آن همراه با

توصیه سیاستی این است که نهادهای فعال در حوزه وقف در کشور، مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، با همکاری سازمان اقتصاد اسلامی که وظیفه مدیریت نظام قرض‌الحسنه در کشور را بر عهده دارد و همچنین بانک مرکزی، در جهت اصلاح نظام وقف در کشور و تشکیل صندوق‌های تأمین مالی خرد وقفی تلاش کنند

مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.^{۲۰}

الف. حل چالش کمبود منابع مالی

همان‌طور که برخی تحقیقات به‌خوبی نشان داده‌اند یکی از مشکلاتی که مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف با آن مواجه می‌باشند، مسأله تأمین نقدینگی می‌باشد (احمد، ۲۰۰۲، ص ۷). این در حالی است که به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌هایی که در الگوی پیشنهادی در این تحقیق وجود دارد، آن است که اجرای صحیح این الگو منجر به ایجاد منابع قابل توجهی برای مؤسسه تأمین مالی خرد می‌شود. در واقع در این الگو منابع خرد و کلان واقفان چه به صورت کالا و اموال منقول و غیرمنقول و چه به صورت وجوه نقد و سهام جمع‌آوری شده و به‌عنوان منبعی برای مؤسسه تأمین مالی خرد به حساب می‌آید.

ب. مدیریت صحیح و کارآمدسازی استفاده از منابع وقفی

یکی از چالش‌هایی که نظام وقف در کشور ما و اکثر کشورها با آن مواجه است مسأله عدم استفاده صحیح و کارآمد از منابع وقفی است. در واقع همان‌طور که برخی از تحقیقات نشان داده‌اند، میزان درآمدی که از حجم عظیم وقف به دست می‌آید بسیار ناچیز بوده و وظایف اقتصادی که وقف در گذشته در جوامع اسلامی انجام می‌داد، امروزه دیگر وجود ندارد (مصباحی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵). این در حالی است که در الگوی پیشنهادی ویژگی‌های مشخصی وجود دارد که منجر به افزایش کارایی استفاده از منابع وقفی می‌شود. در واقع به‌دلیل وجود بازده به مقیاس^{۲۱} برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی، امکان انجام فعالیت‌هایی ممکن می‌شود که برای واقفان فردی و سنتی به هیچ وجه فراهم نیست. به‌عنوان نمونه، تمیز بین فقرای واقعی و افرادی که در واقع فقیر نیستند و یا بین فقرای تولیدی و مصرفی، ایجاد گروه‌های تولیدی از فقرا و ارائه وام به صورت گروهی، نظارت بر استفاده بهینه از منابع وقفی، ارزیابی پروژه‌های مختلفی که توسط گروه‌های خرد ارائه می‌شود و انتخاب کارآمدترین آنها، نظارت دائمی بر وام‌های مصرفی و تولیدی و غیره.

ج. جمع‌آوری و استفاده بهینه از منابع خرد و مشارکت افراد بیشتری در سنت حسنه وقف

در حال حاضر برای افراد دارای دارایی‌های خرد به‌صرفه نیست که اموال خود را وقف کنند. زیرا در این صورت لازم است فرد واقف

ارائه وام‌های مصرفی و تولیدی به فقرا استفاده می‌کند. در اینجا هم باید واقفان تنها به‌منظور کمک به فقرا وجوه خود را وقف کرده باشند و همچنین امکان انتخاب در رابطه با مصرفی و یا تولیدی بودن استفاده از منابع و همچنین عام یا خاص بودن فقرایی که از منافع این نوع از وقف بهره می‌برند، برای واقفان فراهم باشد.

د. انتشار اوراق وقف

یکی دیگر از راه‌های تجهیز منابع مالی برای مؤسسه تأمین مالی خرد وقفی انتشار اوراق وقف است. این دسته از اوراق، در گروه اوراق اسلامی غیرانتفاعی (صکوک غیر سرمایه‌گذاری) قرار می‌گیرند. دارندگان اوراق وقف افرادی هستند که به هر دلیلی تمایل به وقف نمودن دارایی خاص با مبالغ اندک دارند (سروش، ۱۳۸۷، ص ۵).

۳-۲. تخصیص منابع

همان‌طور که ذکر شد تخصیص منابع در مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف، به‌طور عمده بر اساس عقد قرض و دریافت بهره (ربا) انجام می‌شود. اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، لازم است در ارائه تأمین مالی خرد اسلامی از عقود مختلفی استفاده شود که در نظام مالی اسلام وجود دارد. عقود مذکور که در بانک‌های اسلامی نیز به‌منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد را می‌توان (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات)، عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت (فروش اقساطی، خرید دین و اجاره به شرط تملیک)، عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر (سلف و جعاله)، و عقد قرض‌الحسنه. سه مورد اول مخصوص وام‌های تولیدی بوده و مورد آخر مربوط به وام‌های مصرفی می‌باشد (موسویان، ۱۳۸۳، صص ۱۶۶-۱۷۵).

۴. مزایای تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق جهت تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی، مزایایی اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته باشد. در واقع اگر مؤسسه تأمین مالی خرد در سمت بدهی (تجهیز منابع) از ابزارها (عقود) و نهادهای اسلامی بهره برده و در سمت دارایی (تخصیص منابع) نیز از ابزارهای اسلامی استفاده کند، ویژگی‌های مثبتی ایجاد می‌کند که در این قسمت به بررسی برخی از

برای مطمئن شدن از تأمین اهدافی که از وقف دارد، متولی تعیین کند. اما با توجه به خرد بودن وقف، درآمد حاصل از آن به اندازه‌ای نیست که تأمین دستمزد متولی را بنماید. این در حالی است که در الگوی پیشنهادی، مؤسسه به‌عنوان متولی رایگان برای تمام وجوه خرد عمل کرده و لذا اموال و وجوه خرد نیز می‌توانند در سنت حسنه وقف مشارکت داده شوند.

د. احتمال پایین‌تر انحراف وام‌های تولیدی

یکی از مشکلاتی که مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف با آن مواجه هستند این است که چون افراد وام خود را بر اساس عقد قرض و پرداخت بهره دریافت می‌کنند، امکان آن وجود دارد که این وجوه در حوزه تولید وارد نشده و صرف مصارف فردی گردد. اما در الگوی پیشنهادی و در حوزه وام‌های تولیدی، رابطه مشخصی بین بخش واقعی و پولی برقرار می‌شود و حتماً کالا جابجا می‌شود. به عبارت دیگر استفاده از عقود اسلامی منجر به کاهش مشکل انحراف وام‌ها می‌گردد، زیرا در اکثر موارد، عقود اسلامی بر روی کالای واقعی انجام شده و این کالا (و نه پول نقد) به کارفرما تحویل می‌گردد (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

ه. خصوصی بودن و کوچک‌سازی دولت

یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی، خصوصی بودن آن است. در واقع نهاد وقف در تاریخ اقتصادی اسلام، نهادی خصوصی بوده که در راستای اهداف اجتماعی و دولتی حرکت می‌کند. این خصلت یکی از ویژگی‌های مهم الگوی پیشنهادی است که باعث کاهش وظیفه تصدّی‌گری (بنگاه‌داری) دولت اسلامی در حوزه رفع فقر می‌گردد؛ مسأله‌ای که بدون شک یکی از مهم‌ترین وظایف دولت در اسلام است.

۵. نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

واقعیت این است که نظام بانکداری اسلامی در ایران و در سطح جهان، بر حل مشکلات فقهی و اجرایی خود متمرکز شده و از اهداف اجتماعی، انسانی و اسلامی مانند عدالت، کاهش نابرابری‌های ناصحیح اجتماعی و رفع فقر دور شده است. تجربه تأمین مالی خرد متعارف می‌تواند با انجام اصلاحات و تعدیلات مورد نیاز در نظام بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و جهت انجام وظایف اجتماعی به بانک‌های اسلامی کمک کند.

این تحقیق الگوی استفاده از نهاد اسلامی وقف در مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در واقع ضمن بررسی انواع گوناگون منابع وقفی که می‌توانند به‌عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد مطرح باشند (وقف اموال منقول و غیرمنقول، وقف سهام، وقف پول و انتشار اوراق وقف)، مزیت‌های اقتصادی که در صورت استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی در حوزه تجهیز منابع و همچنین استفاده از عقود اسلامی (مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در حوزه تخصیص منابع، ایجاد می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی - اقتصادی را دارد که به‌عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود. همچنین الگوی ارائه شده در این تحقیق می‌تواند درس‌های مناسبی برای بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه در کشور به همراه داشته باشد.

توصیه سیاستی این تحقیق که بر اساس تحلیل نظری انجام شده، آن است که نهادهای فعال در حوزه وقف در کشور، مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، با همکاری سازمان اقتصاد اسلامی که وظیفه مدیریت نظام قرض‌الحسنه در کشور را بر عهده دارد و همچنین بانک مرکزی، در جهت اصلاح نظام وقف در کشور و تشکیل صندوق‌های تأمین مالی خرد وقفی تلاش کنند. علاوه بر این می‌توان نظام قرض‌الحسنه را به نحوی بازطراحی کرد که صندوق‌های قرض‌الحسنه به مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی تبدیل شده و علاوه بر وام‌های مصرفی به ارائه وام‌های خرد تولیدی به‌صورت گروهی نیز اقدام کنند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود ابتدا الگوی اجرایی، قانونی و آیین‌نامه‌های تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی و یا تبدیل مؤسسات قرض‌الحسنه به مؤسسات تأمین مالی خرد ارائه شود، و پس از آن و با انجام اقدامات فرهنگی توسط رسانه‌های گروهی و همچنین در نظر گرفتن مشوق‌های مالیاتی و غیره، زمینه‌های لازم برای تبدیل اختیاری مؤسسات قرض‌الحسنه فعلی به مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی فراهم شود. ضرورتی وجود ندارد که صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که تازه به مؤسسات تأمین مالی خرد تبدیل می‌شوند، بخش عمده‌ای از منابع خود را به وام‌های تولیدی اختصاص دهند؛ بلکه در کوتاه‌مدت می‌توانند تنها بخش کوچکی از منابع را به وام‌های تولیدی اختصاص دهند و اگر این تجربه موفق بود به تدریج این نسبت را افزایش دهند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- نسخه تکمیل شده این تحقیق در سایت پژوهشکده پولی و بانکی و در بخش «مقالات در حال کار» (working papers) قرار گرفته است.

- 2-Seddighi
- 3-Khan
- 4-Chapra
- 5-Micro Finance
- 6-Credit Worthiness
- 7-Kaleem and Ahmed
- 8-Hassan and Alamgir
- 9-Sadeq

۱۰- مباحث متعدد تاریخی، فقهی و حقوقی در رابطه با نهاد اقتصادی وقف در اسلام قابل طرح است که با توجه به محدودیت‌ها و اهداف این تحقیق تنها به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱۱- تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه.

۱۲- وقف قبل از اسلام نیز دارای سابقه می‌باشد. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این رابطه می‌فرماید: «برای وقف، حقیقت شرعی‌ای نیست (این مفهوم توسط شارع جعل نشده است)؛ بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمامی ادیان و شاید غیر پیروان ادیان نیز مرسوم باشد» (امام خمینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۷۲).

- 13-Structural Adjustment Policies
- 14-Privatization
- 15-Optimal Size of Government
- 16-Outsourcing
- 17-Habib

۱۸- هر یک از این موارد در فقه شیعی دارای ضوابط مشخص و متمایزی است که لازم است مؤسسه تأمین مالی خرد به آن توجه داشته باشد.

۱۹- بر اساس ضوابط فقهی، ارکان وقف عبارت‌اند از واقف، موقوف علیهم، مال موقوف (عین موقوفه) و متولی. وقف‌کننده را واقف و کسانی که وقف برای استفاده آنها انجام می‌شود را موقوف‌علیهم و مورد وقف را عین موقوفه گویند. به کسی که اداره امور موقوفه را بر عهده می‌گیرد نیز متولی وقف گفته می‌شود. واقف می‌تواند از منافع موقوفه، سهمی را به‌عنوان اجرت یا حق‌التولیه برای متولی معین نماید و اگر معین نکرده باشد، متولی مستحق اجرت‌المثل عمل است (امام خمینی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۷۲).

۲۰- لازم است توجه شود که مزایای مطرح شده در این بخش، مختص الگوی پیشنهادی بوده و در سایر الگوها موجود نمی‌باشد. بنابراین به منظور جلوگیری از اطاله کلام از بیان مزیت‌های عمومی تأمین مالی خرد مانند حل مشکل وثیقه با استفاده از وام‌دهی گروهی خودداری شده است.

- 21-Return to Scale

منابع و مأخذ

فارسی

- اشکوری، سید احمد. (۱۳۷۷). موقوفات امیرالمؤمنین (ع). نشریه

وقف، میراث جاویدان، شماره ۸.

- امام خمینی (ره). (۱۴۰۳ق). *تحریرالوسیله*. بیروت: دارالانوار.

- بختیاری، صادق. (۱۳۸۱). وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی. *نشریه وقف، میراث جاویدان*، شماره ۴۰-۳۹، سال دهم، پاییز و زمستان.

- دادگر، بدالله و سعادت‌فر، جواد. (۱۳۸۶). امکان‌سنجی وقف پول. *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی*، سال هفتم، شماره اول.

- ساعتی، یحیی محمود. (۱۳۷۴). *وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی*. (احمد امیری شادمهری، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- سروش، ابوذر. (۱۳۸۷). تأمین مالی وقف با استفاده از اوراق بهادار اسلامی. در *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی*. تهران: انتشارات اسوه.

- صدیقی، محمد نجات‌الله. (۱۳۸۷). *ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام*. (حسین میسمی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- عیوضلو، حسین و میسمی، حسین. (۱۳۸۸). ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی. *فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۱.

- قشقایی، محمدحسین. (۱۳۸۵). *قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات مذاکره.

- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ق). *شرایع الاسلام الحلال والحرام*. تهران: انتشارات استقلال.

- مصباحی مقدم، غلامرضا، سیاح، سجاد و نادری، محمدمهدی. (۱۳۸۸). امکان‌سنجی وقف سهام و پول: مدل وقف سهام و پول در ایران. *فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی*، شماره ۱۲.

- مصباحی مقدم، غلامرضا و شکری، صابر. (۱۳۸۶). وقف سهام از منظر فقهی و ارائه الگوی مالی. *فصلنامه پیام مدیریت*، شماره ۲۱.

- مکی‌العالمی، محمد بن جمال‌الدین. (۱۴۱۱ق). *اللمعة الدمشقیة*. قم: دارالفکر.

- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). *بانکداری اسلامی*. تهران: پژوهشکده

- Karanshawy, H. (2007). Finance Plus: A model for the activation of microfinance and medium finance. Paper presented at *the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development*, University Brunei Darussalam, April 17-19.
- Khan, M. Fahim. (1997). *Social Dimensions of Islamic Banks in Theory and Practice*. Jiddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
- Mannan, M. A. (2007). Alternative micro-credit models in Bangladesh: A comparative analysis between Grameen Bank and Social Investment Bank Limited: Myths and realities. Paper presented at *the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development*. University Brunei Darussalam.
- Nuruzzaman, M. (1997). *Bangladesh in the web of creeping colonialism of NGOs*. Dhaka: The Center for Bangladesh Studies.
- Sadeq, A. M. (2007). Microfinance poverty alleviation and economic development: Theory and practice. Paper presented at *the 1st International Conference on Inclusive Islamic Financial Sector Development*, University Brunei Darussalam.

پولی و بانکی.

- نجفی، محمدحسن. (۱۳۹۷ ق). *جواهرالکلام*. جلد ۶. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

انگلیسی

- Al-Jarhi, Mabid Ali. (2002). *Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option*. Jiddeh: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
- Chapra, M. Umer. (1985). *Towards a just Monetary System*. Leicester: The Islamic Foundation.
- Chowdhury, F. (1999). *Let grassroots speak: People's participation, self help groups and NGOs in Bangladesh*. Dhaka: University Press Limited.
- Habib, A. (2002). Financing microenterprises: An analytical study of Islamic microfinance institutions. *Islamic Economic Studies*, 9(2), 27-62.
- Habib, A. (2007). Waqf-Based Microfinance: Realizing The Social Role of Islamic banking. Paper presented in the *International Seminar on integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector*, Singapore, March 6-7.
- Hassan, K. & Alamgir, D. (2002). *Microfinancial Services and Poverty Alleviation in Bangladesh: A Comparative Analysis of Secular and Islamic NGOs. in Islamic Economic Institutions and the elimination of Poverty*. Munawar Iqbal (ed). (pp.113-86). Leicester: The Islamic Foundation.
- Kaleem, A. & Ahmed, S. (2009). The Quran and Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-Based Islamic Microfinance Institutions. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 9, 4-15.